

سال‌نمای امنیت ملی
جمهوری اسلامی ایران
تحولات راهبردی ۱۳۹۱
چشم‌انداز ۱۳۹۲

زیر نظر شورای نویسندگان



بیداری اسلامی

مقدمه

در سال ۱۳۹۱، جهان عرب شاهد صورت‌بندی جدید از قدرت و سیاست بود. به قدرت رسیدن اسلام‌گراها در مصر و تونس نشان‌دهنده شکل‌بندی قدرت و سیاست جدید در کشورهای پسا انقلابی عرب است. البته کشورهایی همچون، عربستان سعودی، کویت، بحرین و اردن در سایه این تحولات به طور موقت مقاومت کرده‌اند، ولی گفتمان تغییر در این کشورها و در متن بستر اجتماعی آنها فی‌نفسه جاری و ساری است. در اردن و کویت، که دو کشور موروثی و پادشاهی به شمار می‌آیند، مقاومت مدنی شدت بیشتری دارد و بحرین در فضای انقلابی قرار دارد و عربستان سعودی نیز به صورتی متفاوت وضعیتی حد فاصل نارضایتی اجتماعی تا انقلاب محدود در شرق کشور را در سال ۱۳۹۱ تجربه کرده است. برای نمونه، بحرین در سال ۱۳۹۱ شاهد استمرار تظاهرات، گفت‌وگوی مخالفان با حکومت و تلاش آل‌خلیفه برای جلوگیری از بین‌المللی‌شدن بحران این کشور بوده است. در اردن، تشدید اعتراضات از یک‌سو و تغییر خواست نیروهای مخالف از شعار اصلاح نظام به سقوط نظام، برگزاری انتخابات پارلمانی و تحریم آن از سوی نیروهای مخالف نظام از اهم تحولات بود. از صدور دستور برای اجرای تعدیلات جزئی در قانون انتخابات کویت تا شکل گرفتن جنبش دموکراسی‌خواهی کویتی و برگزاری انتخابات پارلمانی و پیروزی گسترده شیعیان در آن مهم‌ترین تحول کشور کویت در سال ۱۳۹۱ است. همچنین در عربستان سعودی، شاهد دستگیری رهبران معترضان و سرکوب گسترده آنان هستیم و در سطح حکومت آل سعود، مسئله جانشینی و رقابت میان شاهزادگان

نسل سوم با دوم روایت کلی این کشور در سال گذشته می‌باشد و در نهایت، دو کشور لیبی و تونس در صدد انتقال از وضعیت دولتی ورشکسته به دولت پسا انقلابی بوده‌اند. برگزاری انتخابات در لیبی و ترور شکری بالعید در تونس از رهبران مخالف اسلام‌گرایان و مضافاً، معرفی «علی العریض» از سوی جریان النهضه برای تشکیل دولت جدید سیمای کلی این دو کشور در سال ۱۳۹۱ بوده است. با این توضیحات، در زیر به رویدادها و روندهای هر کدام از کشورهای یاد شده به صورت مبسوط پرداخته خواهد شد.

بحرین

تداوم گفتمان "انقلاب کرامت" در بحرین که از ۱۴ فوریه ۲۰۱۱ شروع شد و اکنون به تکوین مسیر خود گام برداشته، به دلیل اهمیت بحرین در نظم سنتی خلیج فارس و تردید موروثی‌های سنتی و سنی عرب خلیج فارس نسبت به پیامدهای آن با موانع بسیار روبه‌رو شده است. گفتمان شیعی انقلاب بحرین از یک سو و نگاه امنیتی غرب و کشورهای عرب غیرانقلابی به تحولات جاری بحرین از سوی دیگر باعث شده که انقلاب کرامت قربانی مناسبات راهبردی غرب با کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس شود. برای درک بهتر تحولات سال ۱۳۹۱ و ترسیم سیمای احتمالی بحرین در سال ۱۳۹۲ به رویدادهای سیاسی این کشور اشاره خواهد شد. در ۲۳ مرداد ۱۳۹۱، سفیر بحرین در ایران یک سال پس از فراخوانده شدن به کشورش دوباره به تهران بازگشت؛ شیخ خالد آل خلیفه، وزیر امور خارجه بحرین اواخر روز شنبه ۲۱ مرداد ۱۳۹۱ در صفحه خود در شبکه اجتماعی "توییتر" نوشت: «سفیر پادشاهی بحرین در جمهوری اسلامی به محل کارش در تهران بازگشته است». بحرین در ماه مارس سال گذشته در پی اعتراض ایران به حضور نظامی عربستان در این کشور برای فرونشاندن اعتراضات مردمی، سفیرش را از تهران فراخواند. ایران نیز در مقابل همین اقدام را انجام داد.

جمعه ۳۱ شهریور ۱۳۹۱، سازمان‌ها و مؤسسات حقوقی بین‌المللی در نشست ژنو اعلام کردند که جنایات اعضای خاندان حکومتی در بحرین نمی‌تواند بدون مجازات باقی بماند. جنبش ۱۴ فوریه بحرین از مردم این کشور دعوت کرد جمعه ۳۱ شهریور ۱۳۹۱، در تظاهراتی گسترده با عنوان "جمعه مقاومت" به منظور نشان دادن عزم خود برای پیروزی بر آل خلیفه شرکت کنند. جوانان انقلابی بحرینی با تأکید بر حق تظاهرات مسالمت‌آمیز در منامه اعلام کردند تا تحقق خواسته‌هایشان به تظاهرات ادامه می‌دهند. حضور گسترده مردم در فراخوان‌های جبهه مخالف پادشاهی بحرین این امر را ثابت کرد که جنبش اعتراضی شیعی در بحرین همچنان زنده است. البته باید زیرکی و صبر اپوزیسیون قانونی بحرین را که منجر به دستاوردهای غیر قابل انکاری شد، ستود. همچنین، باید یادآور شد که تظاهرات خیابانی در بحرین، به ویژه در حومه شهرها با استقبال بهتری از سوی ساکنان شهرهای اصلی از جمله منامه مواجه می‌شود.

گفتمان شیعی انقلاب بحرین از یک سو و نگاه امنیتی غرب و کشورهای عرب غیرانقلابی به تحولات جاری بحرین از سوی دیگر باعث شده که انقلاب کرامت قربانی مناسبات راهبردی غرب با کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس شود

زیرا حضور امنیتی نیروهای سپر جزیره در حومه شهرها کم و نامحسوس است. از منظری دیگر و در سطح روابط خارجی بحرین، وقایع داخل این کشور بر سطح روابط میان اعضای شورای همکاری خلیج فارس با منامه نیز تأثیر گذاشته است. در روزهای سوم و پنجم مهر ۱۳۹۱، جلسه سران شورای همکاری خلیج فارس در منامه پایتخت بحرین منعقد شد. شاید این نخستین بار در تاریخ شورای همکاری بود که تنها دو عضو شورا در سطح پادشاهی حضور داشتند. شیخ حمد بن عیسی آل خلیفه، امیر بحرین و شیخ صباح احمد جابر الصباح، امیر کویت، تنها دو تن از سران شورای همکاری بودند که در منامه حضور یافتند. ملک عبدالله بن عبدالعزيز و سلطان قابوس بن سعید، شیخ حمد بن خلیفه آل ثانی و شیخ خلیفه بن زاید آل نهیان، به ترتیب رهبران عربستان سعودی، سلطنت عمان، دولت قطر و دولت امارات عربی متحده در اجلاس منامه حضور نداشتند.

همچنین، چهارشنبه ۱ آذر ۱۳۹۱ واشنگتن نسبت به اینکه شکست بحرین در تحقق اصلاحات، مذاکرات میان مخالفان و مسئولان را دشوارتر و شکاف در این جامعه را گسترده‌تر کند، اظهار نگرانی کرد. گسترش اعتراضات در بحرین خود گویای توجه کشورهای غربی از جمله آمریکا خواهد شد. حکومت بحرین به شدت از این مسئله در هراس است. حمد بن عیسی شاه بحرین روز دوشنبه ۳ بهمن ۱۳۹۱، برای پایان دان به بحران دو ساله این کشور از مخالفان دعوت به مذاکره کرد. این دعوت با استقبال اپوزیسیون و طرف‌های تأثیرگذار خارجی از جمله آمریکا، انگلیس، اتحادیه اروپا و دبیر کل سازمان ملل مواجه شد.

در نهایت، مهم‌ترین رویداد انقلاب بحرین در سومین سالگرد وقوع آن در تاریخ ۲۷ بهمن ۱۳۹۱ رقم خورد. بر خلاف پیش‌بینی‌ها مردم با دعوت جنبش انقلابی ۱۴ فوریه در حومه منامه تظاهرات عظیمی ترتیب دادند که در جریان آن، دو نوجوان به ضرب شلیک گاز اشک‌آور به شهادت رسیدند. تحولات سیاسی بحرین نشان‌دهنده این مسئله است که مسئولیت فراخوان‌های تظاهرات و برگزاری آن بر عهده جوانان جنبش گذاشته شده و مذاکرات سیاسی و چانه‌زنی‌ها به شیوخ و بزرگان آن واگذار شده است.

اردن

هنگامی که عبدالله دوم در سال ۱۹۹۹ پس از مرگ پدر خود، ملک حسین، به قدرت رسید، سخن از سلطنت بر اساس الگوی بریتانیا می‌رفت، اما محدودیت‌های اقتصادی و همچنین گسترش نارضایتی عمومی مانع تحقق رؤیاهای پادشاه جوان شد. روند موج اعتراضات در جهان عرب نیز بر تحقق نیافتن این آمال افزود؛ جایی که شعار معترضان از اصلاح نظام به سقوط نظام کشیده شده است. به باور برخی از کارشناسان، موج تغییر به خیابان‌های امان نیز کشیده شده و اردن هم اکنون بخشی از جغرافیای تغییر و اعتراض در جهان عرب به شمار می‌آید.

بحرین در سال
۱۳۹۱ شاهد
استمرار تظاهرات،
گفت‌وگوی مخالفان
با حکومت و تلاش
آل خلیفه برای
جلوگیری از
بین‌المللی شدن بحران
این کشور بوده است

تاکنون «انقلاب‌های عربی» تأثیر چندانی در اردن برجای نگذاشته، اما به تدریج و با افزایش قیمت کالاها در این کشور و اتهام فساد اداری به خانواده سلطنتی، مخالفت‌های سیاسی در این کشور افزایش یافته است

استعفای غیرمنتظره عون الخصاونه روز پنج‌شنبه ۲۶ آوریل / ۷ اردیبهشت، تنها شش ماه پس از انتخاب وی به سمت نخست‌وزیری اردن رخ داد. به گفته یکی از نمایندگان ارشد دولت، پادشاه این کشور "فایز الطراونه" نخست‌وزیر پیشین را مسئول تشکیل دولت جدید کرده است. همچنین روز پنج‌شنبه ۴ اکتبر / ۱۳ مهر رسماً در امان، پایتخت این کشور خبر انحلال مجلس اردن به اطلاع عموم رسید. مقام‌های اردنی در بیانیه‌ای اعلام کردند: «پادشاه تصمیم گرفت در این پنج‌شنبه مجلس را منحل کند و اعلام دارد که انتخابات جدید برگزار خواهد شد.» در همین حال روز جمعه (۵ اکتبر) هزاران تن از هواداران اخوان المسلمین اردن در امان، پایتخت این کشور گرد هم آمدند و دست به تظاهراتی اعتراضی زدند. آنها خواستار تغییر بیشتر قانون انتخابات و انجام اصلاحاتی جدی هستند.

ملک عبدالله دوم، روز یکشنبه ۱۲ ژوئن / ۲۲ خرداد ۱۳۹۱، طی سخنانی در دوازدهمین سالگرد رهبری خود بر اردن اعلام کرد که از این پس، هیئت دولت باید انتخابی و تشکیل آن برآمد اکثریت پارلمانی باشد. این نخستین بار بود که پادشاه اردن چنین عقب‌نشینی‌ای می‌کند. از سوی دیگر، معترضان خواستار انتخابات جدید پارلمانی هستند، زیرا از نظر آنها، در انتخابات ماه نوامبر سال گذشته تقلب‌هایی صورت گرفته است. اپوزیسیون می‌گوید، مجلس کنونی اردن بسیار ضعیف عمل می‌کند و مطیع اوامر پادشاه است. برخی نیروهای اپوزیسیون حتی معتقدند که پادشاه باید در آینده بیشتر نقشی نمادین داشته باشد، اما نیروهای سیاسی پر قدرتی مانند اخوان المسلمین در پادشاه یک «اهرم ثبات» می‌بینند.

تظاهرات روز جمعه ۱۸ مهر ماه ۱۳۹۱ را که در آن، مردم اردن با شعار "الشعب يريد اسقاط النظام" خواستار تغییر نظام حکومتی این کشور شدند، باید نقطه عطفی در روند اعتراضات داخلی در این کشور - که از دو سال قبل و از زمان شروع قیام‌های مردمی در کشورهای عربی آغاز شد - به شمار آورد، زیرا در این تظاهرات، جمعیت عظیمی شرکت کردند و شعارها مستقیماً متوجه شخص شاه عبدالله بود و معترضان آشکارا، خواستار سقوط وی بودند.

براساس گزارش خبرگزاری‌ها، بین تظاهرکنندگان و نیروهای پلیس درگیری صورت نگرفت. در این حرکت اعتراضی، شعارهای "عبدالله زمان تو به سر آمده" و "عبدالله یا برو یا اصلاحات کن" نیز شنیده می‌شد. تاکنون "انقلاب‌های عربی" تأثیر چندانی در اردن برجای نگذاشته بود، اما به تدریج و با افزایش قیمت کالاها در این کشور و اتهام فساد اداری به خانواده سلطنتی، مخالفت‌های سیاسی در این کشور افزایش یافته است. ملک عبدالله دوم، پادشاه اردن، همچنین نگران تأثیرات جنگ داخلی طولانی مدت سوریه بر کشورش است که می‌تواند ثبات این کشور را به خطر اندازد. تاکنون، ده‌ها هزار شهروند سوریه به سبب گریز از جنگ داخلی در کشورشان به اردن پناهنده شده‌اند.

درخور یادآوری است که حکومت در اردن با پیروی از مدل مغرب، قصد دارد تا از

مدل بریتانیایی حکومت به مدل مغربی حکومت تغییر موضع دهد. در پیش نویس این قانون، که اوایل ماه آوریل از سوی دولت به تصویب رسید، شمار کرسی‌های اختصاصی به زنان از دوازده به پانزده کرسی افزایش داده شد. اسلام‌گرایان و گروه‌های دیگر با انتقاد از این پیش نویس عمدتاً محدود شدن کرسی‌های اختصاص داده شده به احزاب سیاسی را نادرست خوانده بودند.

ملک عبدالله قصد دارد گام‌های کوچکی در زمینه اصلاحات بردارد تا قدرت خود را تضمین کند. در انتخابات پارلمانی، که روز چهارشنبه ۲۳ ژانویه (۴ بهمن ۱۳۹۱) برگزار شد، حدود ۳ میلیون نفر از واجدان شرایط به پای صندوق‌های رأی فراخوانده شدند. از این پس قرار است نمایندگان پارلمان موسوم به "مجلس النواب" از اختیارات بیشتری برخوردار شوند و بتوانند اعضای هیئت دولت را انتخاب کنند. اعضای هیئت دولت را تاکنون پادشاه انتخاب می‌کرد. از نظر اخوان المسلمین به منزله مهم‌ترین جناح اپوزیسیون، این میزان از اصلاحات کافی نیست.

مشاوران سیاسی ملک عبدالله از کشورهای غربی به پادشاه اردن توصیه کرده‌اند که به روند اصلاحات شتاب ببخشد. در غیر این صورت، سرنوشت او نیز مانند دیکتاتورهای تونس و مصر خواهد بود. متحدان غربی ملک عبدالله نیز به او فشار می‌آورند که تسلیم انتقادات شود؛ فشارها و توصیه‌هایی بی‌حاصل نیز نبوده است. در همین زمینه، ناصر جوده، وزیر خارجه اردن، در مصاحبه‌ای با روزنامه الشرق الاوسط چاپ لندن معتقد است که سال ۲۰۱۳ سال اصلاح و انتخابات در اردن است. او در همین مصاحبه در ۳ بهمن ۱۳۹۱ می‌افزاید: «انتخابات مجلس نمایندگان روندی مهم به سوی اصلاحات سیاسی اقتصادی در اردن است».

هیئت مستقل انتخابات در ۵ بهمن ۱۳۹۱ اعلام کرد که نسبت مشارکت کنندگان در هفدهمین دور انتخابات مجلس نمایندگان بیش از ۵۶ درصد بوده است. این درحالی است که جبهه عمل اسلامی از نیروهای بارز مخالف پادشاهی اردن نسبت به تعداد مشارکت کنندگان برگزاری سالم انتخابات ابراز تردید کرده است.

در آخرین رویداد مهم سال ۱۳۹۱ اردن، در تاریخ ۲۱ بهمن، عبدالله دوم، شاه اردن، در سخنرانی افتتاح جلسه غیر رسمی پارلمان هفدهم با اشاره بر توانایی اردن در رویارویی با چالش‌های خارجی بر ایجاد اصلاحات در نهادهای حکومتی تأکید کرد.

کویت

کویت تنها کشور عرب عضو شورای همکاری خلیج فارس است که پارلمان انتخابی دارد. قانون انتخابات کویت، مصوب ۱۲ نوامبر سال ۱۹۶۲ است که با امضای عبدالله السالم الصباح امیر وقت این کشور اجرا شد و در سال‌های اخیر تغییرات اندکی کرده است. کویت را

تحولات سیاسی
کویت نشان‌دهنده
این مسئله است
که جامعه کویتی
پتانسیل وقوع
انقلاب را دارد و
خواهان تغییرات
فوری در این کشور
است

می‌توان متفاوت‌ترین کشور بین کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس دانست، زیرا هرچند در ظاهر کشوری آرام و بی‌حاشیه است، اما در درون خود انواع ناآرامی‌ها را تجربه می‌کند، به‌ویژه یک سال اخیر تحولات بیداری اسلامی در دیگر کشورهای عربی در تحولات کویت بی‌تأثیر نبوده است.

همچنین باید به نقش قطر و عربستان در ناآرامی‌های اخیر در کویت اشاره کرد که باعث شده است تا بحران‌هایی در این کشور رخ دهد و زیر فشار گروه‌های سلفی، امیر کویت به انحلال مجلس الامه کویت مجبور شود. کویت از جمله کشورهایی است که به دلیل ساختار قدرت در آن پس از انقلاب‌های عربی شاهد تنش‌ها و بحران‌های سیاسی بسیاری بوده که بازتاب آن در انحلال مستمر پارلمان و دولت این کشور نمود پیدا کرده است. عربستان و قطر همواره خواهان امتیازدهی آل صباح به اخوانی‌ها و سلفی‌ها در مجلس این کشور بوده‌اند. در فوریه ۲۰۱۲، کویت شاهد برگزاری چهاردهمین انتخابات پارلمانی خود بود که مسائل و چالش‌های مختلفی را در پی داشت و سرانجام باعث انحلال آن شد و در نهایت، طبق دستور امیر کویت، انتخابات جدید بر اساس قانون جدید انتخاباتی در اول دسامبر، برای دومین بار طی سال ۲۰۱۲، در این کشور برگزار می‌شود. باید یادآور شد که پارلمان کویت تاکنون، هشت بار منحل شده است. آخرین آن پارلمانی بوده که در فوریه انتخاب و با حکم دادگاه قانون اساسی این کشور منحل شد.

انتخابات پارلمانی کویت در فوریه ۲۰۱۲، به انتخاب پنجاه نماینده پارلمان از سوی مردم این کشور منجر شد. در این انتخابات رأی‌گیری در پنج حوزه اصلی انتخاباتی کویت، شامل حدود صد شعبه اخذ رأی انجام شد. در این انتخابات، ۴۰۰ هزار کوییتی واجد شرایط رأی دادن بودند که ۵۴ درصد این تعداد را زنان تشکیل می‌دادند. در میان ۲۸۶ نامزد انتخابات نیز، ۲۳ تن زن بودند. گروه‌های معارض در انتخابات فوریه، ۳۴ کرسی از ۵۰ کرسی مجلس الامه را به دست آوردند، در حالی که در پارلمان سال ۲۰۰۹، آنها تنها ۲۰ کرسی را در اختیار داشتند. جریان سنی اخوانی (الحرکه الدستوريه الاسلاميه) و سلفی‌ها (التجمع السلفي الاسلامي) برندگان شاخص انتخابات ۱۲ آذر ۱۳۹۱ بودند و در کل، ۲۳ کرسی را به دست آوردند. در مجموع در انتخابات پارلمانی آذر ۱۳۹۱ اسلام‌گرایان اخوانی و سلفی و هم‌پیمانان آنها کنترل پارلمان را به دست گرفتند، اما این کشور پس از اعلام نتایج انتخابات، وارد نزاعی سیاسی شد. بر این اساس بود که دادگاه قانون اساسی کویت در ۲۰ ژوئن / ۳۱ خرداد ۱۳۹۱ به بطلان انتخابات پارلمان ۲۰۰۹ تا ۲۰۰۱ و عدم صحت دستور انحلال پارلمان سال ۲۰۰۹ رأی داد و تأکید کرد که اعضای قدیم مجلس باید به جای خود بازگردند. به این ترتیب، پارلمان آذر ۱۳۹۱ منحل و پارلمان ۲۰۰۹ کویت احیا شد، اما با حکم امیر کویت این پارلمان نیز منحل و چالش سیاسی این کشور همچنان تداوم یافت تا اینکه انتخابات پارلمانی دیگری برگزار شود.

کویت از جمله کشورهایی است که به دلیل ساختار قدرت در آن پس از انقلاب‌های عربی شاهد تنش‌ها و بحران‌های سیاسی بسیاری بوده که بازتاب آن در انحلال مستمر پارلمان و دولت این کشور نمود پیدا کرده است

شیخ صباح احمد الصباح، با سخنرانی در تلویزیون رسمی کویت در ۷ آبان ۱۳۹۱، از صدور دستور برای اجرای تعديلات جزئی در قانون انتخابات این کشور خبر داد و هدف از این دستور را حضور همه‌جانبه مردم در انتخابات پیش رو و ایجاد اتحاد بین آنها برشمرد. در دوشنبه ۱۵ آبان ۱۳۹۱، برای نخستین بار تظاهرات مخالفان در «راهپیمایی مسیر کرامت ۲» باعث مشکلات زیادی در جریان عادی زندگی در پایتخت شد. با وجود اعتراضات صورت گرفته، سرانجام تغییراتی در قانون انتخابات کویت صورت گرفت. بر اساس قانون جدید انتخاباتی، که از سوی دولت کویت پیشنهاد شد، شمار حوزه‌های رأی‌گیری در این کشور از ۵ به ۲۵ ناحیه افزایش خواهد یافت و هر کویتی تنها به یک نفر رأی خواهد داد، در حالی که در گذشته کویتی‌ها می‌توانستند به چهار نامزد رأی دهند. اعلام این قانون باعث بروز اعتراضات متعددی شد که برخی از آنها به درگیری پلیس کویت با معترضان نیز منجر شد. به ویژه مخالفان در ۲۱ اکتبر، با شعار «راه کرامت امت»، تظاهرات گسترده‌ای به پا کردند که گفته شد، بزرگ‌ترین تظاهرات تاریخ کویت علیه حکومت به شمار می‌آید. در تاریخ ۱۴ آذر ۱۳۹۱ دهها نفر از اعضای معارضان کویت در برخی اماکن پایتخت این کشور ضد پارلمان جدید - که در آذر ۱۳۹۱ با پیروزی شیعیان برگزار شد - تظاهراتی ترتیب دادند. آنها خواستار استعفای حکومت و برگزاری انتخابات آزاد و انحلال پارلمان جدید شدند. در همین تاریخ، امیر کویت استعفای کابینه الشیخ جابر المبارک الصباح را پذیرفت. در ۳ فوریه ۲۰۱۳م، محمد عید العجمی، یک فعال سیاسی کویتی، به سبب توهین به امیر این کشور در شبکه‌های اجتماعی از سوی دادگاه کویت به پنج سال زندان محکوم شد.

تحولات سیاسی کویت نشان‌دهنده این مسئله است که جامعه کویتی پتانسیل وقوع انقلاب را دارد و خواهان تغییرات فوری در این کشور است، اما هم‌زمان مخالفان آل صباح به دو دسته مستقل (لیبرال) و همسو با عربستان (اسلام‌گرا) تقسیم شده است.

عربستان سعودی

امروزه رژیم سعودی، ثروتمندترین و قدرتمندترین رژیم اقتدارگرای منطقه، تلاش می‌کند تا از اصلاحات جلوگیری کند و بیش از این، تمایل به توزیع پول نقد برای پایان یافتن این قضیه دارد. با اینکه بسیاری از حاکمان خودکامه عرب در حال حاضر، با ناآرامی‌های بی‌سابقه‌ای روبه‌رو هستند، اما هنوز هم از منابع مالی کافی، برای حفظ رژیم خود برخوردارند بدین ترتیب تحولات ۱۳۹۱ عربستان در دو سطح خاندان حکومتی و اعتراضات مردمی قابل بررسی است. بنابراین بخش نخست دربرگیرنده تحولات سیاسی در سطح خاندان حاکم خواهد بود.

در سال ۱۳۹۱، شاهزاده نایف، دومین ولیعهد ملک عبدالله، نیز پس از سکتة مغزی جان خود را از دست داد و شاهزاده سلمان بن عبدالعزيز وزیر دفاع این کشور با حفظ سمت به عنوان ولیعهد عربستان انتخاب شد. مرگ نایف که مردی قدرتمند در ساختار حکومت

به احتمال فراوان،
سال ۱۳۹۲ برای
معارضان بحرینی
سال گشت‌و‌گو،
تظاهرات و فشار به
حکومت از طریق
خیابان خواهد بود

عربستان بود، در این کشور خلأ قدرتی ایجاد کرد که عرصه رقابت بین شاهزادگان سعودی را شدت بخشید.

رقابت اصلی بین شاهزادگان نسل دوم با شاهزادگان نسل سوم بود، فرزندان عبدالعزیز بنیان‌گذار عربستان تلاش کردند تا مانع از به قدرت رسیدن برادرزاده‌های قدرتمند خود از جمله عبدالعزیز بن عبدالله، محمد بن نایف، بندر بن سلطان شوند، اما به مرور، این شاهزاده‌های جوان با کمک پادشاه توانستند سمت‌های کلیدی چون ریاست گارد ملی، وزارت کشور و ریاست دستگاه اطلاعاتی را در اختیار بگیرند.

۱۷ آبان ۱۳۹۱ انتصاب شاهزاده محمد بن نایف به سمت وزیر کشور به جای «احمد بن عبدالعزیز آل سعود»، برادر نانتی نایف، از سوی ملک عبدالله، طنین تغییرات گسترده و جایگزینی نسل سوم شاهزادگان به جای نسل دوم را به صدا درآورد. این طلیعه درحالی صورت می‌پذیرد که اختلاف میان شاهزاده‌های نسل سوم روز به روز بیشتر می‌شود. این اختلاف، آرایش قدرت در عربستان را تحت تأثیر قرار خواهد داد. البته جریان طرفداران پادشاهی مشروطه (جریان طلال) که به شاهزاده‌های آزاد مشهورند، بدیلی جدی برای تکاپوی قدرت در عربستان پس از عبدالله و ولیعهدی سلمان به عبدالعزیز به شمار می‌روند.

در تاریخ ۱۳ دی ۱۳۹۱، عبد الله بن عبد العزیز، پادشاه عربستان، طی حکمی، شاهزاده مقرر را که در سال گذشته رئیس اطلاعات عربستان بود، به عنوان معاون دوم نخست وزیر انتخاب کرد. با این انتصاب وی سومین فرد قدرتمند در پادشاهی سعودی است. در سلسله مراتب قدرت در عربستان، پادشاه به عنوان نخست وزیر و ولیعهد - که هم اکنون سلمان است - به عنوان معاون اول نخست وزیر قرار دارد. بندر بن سلطان بن عبد العزیز آل سعود در حال حاضر، رئیس اطلاعات عربستان است. همچنین تعیین سریع سلمان بن عبد العزیز به عنوان ولیعهد به دلیل تحولات بیداری اسلامی محل تأمل است. سلمان برخلاف دیگر شاهزاده‌های ارشد سعودی فردی آگاه از تحولات منطقه و جهان و مورد احترام دیگر شاهزاده‌های سعودی است و بیشتر به عنوان واسطه یا میانجی در دستگاه قدرت سعودی شناخته می‌شود.

در ۲۵ دی ۱۳۹۱، ملک عبدالله دست به تغییر استانداران یا امرای مناطقی در عربستان زد. در همین حال، شاهزاده سعود بن نایف را به جای شاهزاده محمد بن فهد - که مورد نفرت شیعیان شرق عربستان است - منصوب کرد. البته سعود بن نایف برخلاف محمد بن فهد، که معتقد به برخورد شدید با شیعیان بود، معتقد است که از راه‌های سیاسی و امنیتی باید شیعیان را سرکوب و کنترل کرد. در همین حال، شاهزاده فیصل بن سلمان، پسر ولیعهد جدید سعودی، به جای عبد العزیز بن ماجد امیر مدینه منوره شده است.

در راستای سرکوب تظاهرات در مناطق شیعه‌نشین شرق عربستان، نیروهای امنیتی

آل سعود، ۲۲ آبان ۱۳۹۱، طی یک عملیات گسترده امنیتی و پس از شلیک چندین گلوله به سمت خوددوری شیخ نمر، در حالی که وی زخمی شده بود، او را ربودند و به زندان منتقل کردند. جمعه ۱۸ آذر ۱۳۹۱، تظاهرات گسترده اعتراض آمیزی در شهرهای مختلف استان الشریقه در شرق عربستان علیه رژیم آل سعود برگزار شد. در شهر قطیف واقع در استان الشریقه، مردم در تظاهراتی، خواستار «محاکمه قاتلان تظاهرکنندگان و اعطای آزادی‌های سیاسی» شدند. ساکنان شهر العوامیه در استان الشریقه هم تظاهراتی را برای اعلام وفاداری به خون شهدا و هم‌بستگی با زندانیان سیاسی برگزار کردند.

تعداد تظاهرکنندگان شهر العوامیه بیش از ۵ هزار نفر بود که تصاویر شهیدان شیخ توفیق العامر و علی الدیسی، فعال سیاسی و پرچم عربستان را در دست داشتند و شعارهایی با مضامین "محمد بن فهد (استاندار الشریقه) سرنگون باد"، "شلیک کنندگان باید قصاص شوند"، "فقط برای خدا سرفرومی آوریم" و "عزت ملت پایمال شدنی نیست"، سردادند و خواستار آزادی زندانیان شدند. جمعیت "توسعه و تغییر" مردم را به حضور گسترده در تظاهرات العوامیه برای تأکید بر توانایی مردم عربستان در ایجاد تغییرات و همراهی آنها با ملت‌های آزادی‌خواه یمن، مصر، تونس و بحرین فراخوانده بود.

روزنامه‌های دولتی سعودی، شصت حقوق‌دان و فعال عربستانی را که برای آزادی بازداشت‌شدگان و اعتراض به سرکوب تظاهرات مسالمت‌آمیز مردم قطیف محکوم کرده بودند، "لایبی ایرانی در عربستان" نامیدند، جبهه‌گیری شدید و بی‌سابقه روزنامه‌های رسمی سعودی پس از آن صورت گرفت که این جمع حقوق‌دان و فعال عربستانی از نقاط مختلف این کشور در بیانیه‌ای خواستار لغو "حکم ظالمانه" علیه فعالان شدند.

مرکز مطالعات وابسته به کنگره آمریکا در گزارشی، عربستان سعودی را یکی از بزرگ‌ترین خطرهای دانست که آمریکا را در سال ۲۰۱۲ تهدید می‌کند. شورای روابط خارجی پس از نظرسنجی از مسئولان و کارشناسان آمریکایی برای تهیه فهرستی از تهدیدهایی که در سال آینده میلادی در پیش روی آمریکا قرار دارد، بی‌ثباتی عربستان سعودی را به منزله یکی خطرهای اصلی معرفی کرد. در گزارش این مرکز آمده است که بی‌ثباتی عربستان سعودی، خطر بروز جنگ با پاکستان و بحران یورو، در صدر فهرست بزرگ‌ترین خطرهای است که آمریکا را در سال ۲۰۱۲ تهدید می‌کند.

در نهایت، عربستان سعودی در دو جبهه مشغول رقابت و مهار جنبش اعتراضی است، در سطح مردمی، شاهد اعتراض شیعیان به نقض فاحش حقوق بشر و در سطح حکومتی، به مهار اختلافات اساسی میان شاهزادگان مشغول است؛ روندی در سال آتی شدت بیشتری خواهد داشت.

لیبی و تونس

در ۱۷ تیر ۱۳۹۱، انتخابات مجمع ملی سراسری لیبی - که پیشتر قرار بود مجلس مؤسسان لیبی باشد و برای تعیین قانون اساسی کشور تشکیل شود - در راستای انتقال قدرت از شورای ملی انتقالی به مردم پس از پیروزی جنگ داخلی لیبی بر ضد قذافی برگزار شد. در حالی که پیش‌بینی‌ها از پیروزی اسلام‌گرایان در انتخابات پارلمانی لیبی حکایت داشت، لیبرال‌ها موفق شدند با اختلاف اندکی از اسلام‌گرایان پیشی بگیرند. از ۲۰۰ کرسی مجلس ۸۰ کرسی به احزاب و ۱۲۰ کرسی دیگر به مستقلان سیاسی متعلق است.

شاید مهم‌ترین رویداد لیبی در ۱۳۹۱ در ۲۵ شهریور با قتل "کریستوفر استیونز"، سفیر ایالات متحده آمریکا در لیبی (در بنغازی در شرق آن کشور)، به دست سلفی‌های القاعده رقم خورد. کشته شدن او بر اشتباهات آمریکا در رصد تحولات لیبی صحنه گذاشت. نخستین اشتباه ایالات متحده این بود که سلاح‌های ارسالی به لیبی، هدایت شده نبود و بخشی از آنها به نیروهای سلفی رسید. دومین اشتباه آنان در پیش‌بینی نکردن سیر تحولات بود، زیرا هرگاه ارزش‌های اسلامی و دینی مردم خاورمیانه جریحه‌دار شده، اتفاقی روی داده است. دولت اوپاما حتی برآورد دقیقی از کنترل کنسولگری این کشور در بنغازی نداشت و سرانجام، بزرگ‌ترین اشتباه دولت اوپاما دست کم گرفتن قدرت القاعده پس از مرگ بن لادن بود.

تونس یکی از معدود موفقیت‌ها در تحولات منطقه به شمار می‌رود، زیرا، از یک دولت خودکامه به یک دموکراسی انتخابی تبدیل شده است که رهبران جدیدش از اعتدال، آزادی‌های مدنی و حکومت قانون حمایت می‌کنند، مطبوعات پر جنب و جوش و جامعه مدنی شکوفا به نظر می‌رسد و دولت متعهد به مبارزه با فساد است. البته تونس هم با مشکلاتی مشابه همسایگانش روبه‌روست. مشکلاتی مانند مواجهه یک دولت ضعیف با سلفی‌های تندرو، این کشور را تهدید می‌کند. متأسفانه، آینده تعداد کمی از کشورهای منطقه به نظر امیدبخش می‌رسد. در ۴ بهمن ۱۳۹۱، جنبش اسلامی النهضة، حزب حاکم تونس علی العریض وزیر کشور دولت سابق تونس را به عنوان جانشین حمادی الجبالی، نخست‌وزیر مستعفی تونس، انتخاب و وی را مأمور تشکیل دولت جدید کرد. علی العریض، نخست‌وزیر جدید تونس گفت مذاکرات خود را برای تشکیل دولت جدید این کشور آغاز کرده است. وی همچنین تأکید کرد، دولت جدید تونس متشکل از نمایندگان همه مردم تونس خواهد بود. علی العریض در پی ترور سیاسی شکری بالعيد و تظاهرات مخالفان اسلام‌گراها مأمور تشکیل دولت جدید شده است.

به نظر می‌رسد، لبنانی کردن تونس و ایجاد درگیری‌های مکرر میان جریان‌های سیاسی از سوی برخی کشورها دنبال نشود. لبنانی کردن تونس به معنای سست نمودن جایگاه اسلام‌گرایان در آن جامعه تفسیر می‌شود.

مهم‌ترین رویداد لیبی در ۱۳۹۱ در ۲۵ شهریور با قتل "کریستوفر استیونز"، سفیر ایالات متحده آمریکا در لیبی (در بنغازی در شرق آن کشور)، به دست سلفی‌های القاعده رقم خورد

چشم‌انداز ۱۳۹۲

با توجه به رویدادهای سال ۱۳۹۱ کشورهای بیداری اسلامی، سناریوهای احتمالی و راهبردهای کارساز جمهوری اسلامی ایران در قبال این رویدادها مورد بررسی و مذاقه قرار خواهد گرفت.

بحرین

سناریوی نخست تصاعد بحران در بحرین: با وقوع چنین بحرانی فعال کردن سازمان‌های حقوق بشری و مجامع بین‌المللی برای بین‌المللی کردن بحران بحرین الزامی است. ایران می‌تواند به همراه عراق خواهان ورود کشورهای چین و روسیه به بحث تحولات بحرین شود. چانه‌زنی با اتحادیه اروپا و حتی آمریکا به طور غیرمستقیم برای پذیرفتن تغییرات در بحرین ضروری است. فشار به الجزیره برای تغییر مواضع خود در قبال انقلاب مردمی بحرین مهم و کشاندن پای ترکیه به رخدادهای جاری بحرین برای حمایت از معترضان الزامی به شمار می‌آید. به احتمال فراوان، سال ۱۳۹۲ برای معارضان بحرینی سال گفت‌وگو، تظاهرات و فشار به حکومت از طریق خیابان خواهد بود. همچنین احتمال افزودن پرونده بحرین و سوریه به محور مذاکرات ایران و غرب به همراه موضوع هسته‌ای وجود خواهد داشت. افزون بر آن، کشاندن عراق به منزله کشوری شیعی برای حمایت از شیعیان بحرین نیز در سال ۱۳۹۲ تقویت خواهد شد.

سناریوی دوم؛ کاهش بحران و ادامه گفت‌وگوی معارضان با حکومت: با وقوع چنین سناریویی جمهوری اسلامی ایران تا حد امکان باید معارضان را تشویق به امتیازگیری در قدرت کند و خواستار آزادی مخالفان رژیم آل خلیفه از زندان و خروج نیروهای سعودی از خاک بحرین شود. البته شیوه مخالفان با توجه به حضور نیروهای عربستان در بحرین ایجاد گفتمان نافرمانی مدنی در بحرین است. هرگونه تحریک خشونت‌آمیز از سوی معارضان به سرعت سرکوب خواهد شد. راهبرد سیاسی ۱۳۹۲ معارضان برای تقویت گفتمان حقوق بشری خود به منزله اهرم فشار به حکومت آل خلیفه از سوی مجامع حقوقی و سیاسی از جمله اتحادیه اروپا الزامی است. همچنین افزایش تحرکات رسانه‌های مستقل و وابسته به جمهوری اسلامی ایران و معارضان بحرینی می‌تواند به گفتمان جدیدی برای بی‌اعتبار کردن طرح‌های سیاسی آل خلیفه بینجامد. تحرک و تشویق کشورهای اروپایی برای پیوستن به جبهه سیاسی حمایت از معترضان بحرینی الزامی به نظر می‌رسد.

اردن

با گسترش اعتراضات در اردن شاید در حال حاضر، بهترین سناریوی پیش روی ایران با توجه به تحولات سوریه اجرای اصلاحات اردنی است. انقلاب در کشور اردن هم‌زمان با تصاعد

بحران در سوریه باعث تقویت معارضان سوری، به ویژه جریان اخوان المسلمین این کشور می‌شود. در مقابل با کاهش بحران سوریه، سناریوی دیگر مناسب برای سیاست خارجی ایران گسترش اعتراضات در اردن خواهد بود. وقوع انقلاب در اردن به مثابه کاهش ضریب امنیتی اسرائیل، تقویت جنبش حماس در کرانه باختری و سرایت بحران اردن به عربستان سعودی خواهد بود. در سال ۱۳۹۲، اردن در کشاکش گفتمان سلطنت مشروطه و سقوط نظام و انقلاب تعریف خواهد شد. احتمال دارد اردن همچنان در گیر اعتراضات خیابانی باشد، اما احتمال وقوع انقلاب سریع به دلیل حمایت غرب و قبایل از حکومت هاشمی در اردن بعید به نظر می‌رسد.

کویت

آل سعود همواره از اینکه کویت تجربه - هرچند ناقصی - را در زمینه دموکراسی داشته، هراسان بوده است، زیرا این خاندان نگران انتقال این تجربه به عربستان است، به همین دلیل بر هیچ کس پوشیده نیست که آل سعود بارها در انحلال پارلمان کویت نقش داشته است. در سال‌های اخیر و پس از تشدید تنش‌ها بین دولت و پارلمان کویت و تکرار استیضاح وزرا، مداخله‌های سعودی برای تحریک امیر کویت بر ضد پارلمان آغاز شد. همچنین دولت سعودی و قطر پس از تحولات اخیر در کشورهای عربی و سرایت آن به امیرنشین کویت از سلفی‌ها و اخوانی‌ها حمایت کرده‌اند. این دو کشور امیدوارند با حاکم شدن جریان‌های اسلام‌گرای سلفی کویت تا حد زیادی از نفوذ شیعیان در این کشور بکاهند و از سرایت بحران به جوامع خویش جلوگیری کنند.

در انتخابات ۱۱ آذر ۱۳۹۱ کویت، آمار رسمی وزارت اطلاعات‌رسانی این کشور میزان مشارکت مردم را در این انتخابات تنها ۳۹ درصد نشان داد. این در حالی است که در انتخابات فوریه گذشته، این مشارکت ۶۰ درصد برآورد شد. شیعیان که ۳۰ درصد جمعیت ۱ میلیون و ۲۰۰ هزار نفری کویت را تشکیل می‌دهند، در مجلس گذشته، تنها ۷ نماینده داشتند. این انتخابات نشان‌دهنده هشیاری جامعه شیعه در برابر طرح‌های منطقه‌ای عربستان است. سیاست خارجی ایران به بهترین شکلی می‌تواند از تأیید این انتخابات استقبال کند و خواستار ثبات سیاسی در کویت باشد. بی‌ثباتی در کویت تا حد زیادی بیانگر افزایش نقش عربستان و قطر در این کشور و استحاله نفوذ منطقه‌ای ایران است. احتمال دارد درگیری‌های سیاسی در کویت در سال ۱۳۹۲ به همان شدت قبل ادامه یابد. جریان سلفی و سنی قادر خواهند بود با شیعه‌هراسی به تظاهرات خیابانی دست بزنند و نسبت به امتیازدهی آل صباح به شیعیان اعتراض کنند.

عربستان

دستگاه سیاست خارجی ایران ضروری است تا به درستی، تحولات عربستان را رصد کند و بکوشد برای تحولات شرق عربستان در سال ۱۳۹۲ راه حل سیاسی بیابد. به نظر می‌رسد با توجه به فشارهای مضاعف علیه ایران در ۱۳۹۲، باید راه‌حل‌های سیاسی و بهبود روابط تهران - ریاض به صورتی اساسی دنبال شود. بحرانی شدن روابط ایران و عربستان به معنای گشوده شدن پرونده‌های متکثر سیاسی برای ایران در منطقه است. کاهش اختلافات سیاسی میان این دو کشور در سال ۱۳۹۲ ضروری به نظر می‌رسند. همچنین به دلیل نقش سلبی عربستان در سوریه، تنش بیش از حد با این کشور تأثیر خود را بر روندهای احتمالی عراق و گسترش اعتراضات علیه نوری المالکی از سوی جریان سنتی خواهد گذاشت. بنابراین راهبرد کاهش تنش و گرفتن امتیازات سیاسی از عربستان می‌تواند از راهبردهای ایران در سال ۱۳۹۲ باشد.

لیبی و تونس

یکی از دستاوردهای درخور توجه برای دولت لیبی این است که وضعیتی بین دموکراسی و بی‌ثباتی را نمایندگی می‌کند، به ویژه با توجه به اینکه ترس از خشونت، تقلب یا لغزش اسلام‌گرایان محقق نشد، اما طوفان در راه است. همانند عراق، در لیبی هم بر سر، نوشتن قانون اساسی اختلافاتی بروز می‌یابد؛ اختلافاتی که بر سر قدرت و اختیارات دولت فدرال میان مناطق مختلف کشور خواهد بود. به عبارتی شبه نظامیان مسلح، کنترل بسیاری از مناطق روستایی را در اختیار دارند و گروه‌های سلفی زیارتگاه‌های صوفیان را در سراسر کشور هدف حمله قرار می‌دهند، گور دسته‌جمعی حفر می‌کنند، مسجدها و کتابخانه‌ها را تخریب می‌کنند. ده‌ها هزار نفر از مردم آواره‌اند، بسیاری از آنها به زور از خانه‌های خود بیرون رانده شده‌اند و در اردوگاه‌های پناهندگان در سراسر کشور ساکن‌اند. در سال ۱۳۹۲، به احتمال فراوان، لیبی نسبت به دیگر کشورهای عربی انقلابی به دلیل رانت نفت با ثبات‌تر باشد. البته این ثبات به نسبت بی‌ثباتی سال ۱۳۹۱ ارزیابی می‌شود.

در سال ۱۳۹۲، با ترور سیاسی شکری بالعید به احتمال فراوان، کشاکش قدرت میان اسلام‌گرایان و نیروهای سکولار در تونس شدت خواهد یافت. همچنین با انسجام نیروهای سکولار در قبال اسلام‌گرایان به احتمال قوی، حزب النهضة مجبور به قربابت راهبردی با سلفی‌ها خواهد شد و سرانجام اینکه نیروهای مخالف جریان اسلامی النهضة راهبرد امتیازگیری سیاسی از اسلام‌گرایان را در پیش خواهند گرفت.